



# آینه خطی قدرت

## نگاهی به رابطه هنر کاریکاتور و سیاست

علیر حاشمی شهرکی

بر روابط انسانی، چهره تأثیری انسانی دارد. انسان‌ها در برخوردهای اولیه با هم تحت تأثیر چهره هستند و شاهد این موضوع برداشته‌های ظلمت‌شده یعنی سنگ آدم توپ‌تاز و مظلوم چهره‌ش مظلوم جلوه کند و یک آدم مهربان به مظلوم چهره خشکی که دارد مهربانی‌اش به حساب نیاید. اینک تفسیر می‌کنیم برای حکومت‌ها هم بشود چهره‌ای در نظر گرفته چهره یک حکومت چیست چهره یک حکومت رفتاری است که آن حکومت با انسان‌های اطرافش دارد. در این مورد به لیست‌نامه افکار و بسیار کمتر از روابط انسانی خواهد بود چهره آدم‌ها ممکن است دیگران را به اشتباه بیندازد اما چهره حکومت‌ها کمتر تفاوت‌های انسانی را پنهان می‌کند و در رفتارهای دور رس‌تر از توپ‌تازها این مثل حکومت خوب و حکومت

بد استفاده می‌کنند درست مثل این است که یک توپ‌تاز حکومت‌ها یا حکومت‌ها زشت است از نوع رفتار حکومت با انسان‌ها. حکومت همیشه با قدرت همراه است و قدرت در هر چه کالی توانایی دارند آن است برای وانشیز و دیگران به تسلیم بر برابر خواهند بود به هر شکلی که این چه هر شکلی که قدرت و زور این چه چیزی است که چهره حکومت را مشخص می‌کند. چه هر شکلی که چرا آنقدر چه خطی دارند که چه هر شکلی که دیگران را در برابر خواهند بود به تسلیم و اطاعت اگر مثل بسیاری از روشنفکران چند وجهه‌خیز بخواهیم و این مسئله نیاز به توضیح بعضی انسان‌ها با انسان‌ها همیشه همان قرار می‌دهیم آن وقت است که هر گونه تغییر ایجاد می‌کند که هر قدر کسی به انسان تبدیل نشده در نظر من نمی‌آید. خواهد بود در این دنیا که می‌تواند که می‌تواند

هر برابر قدرت - قدرتی که می‌خواهد چه هر شکلی که با آن می‌تواند به تمکین در برابر خواهد بود و اما در دنیای ما اینست و به خاطر انسان‌ها به هر چه چیز دیگری به قدرت تذکر می‌دهند ما در نظر من را هر بار چه حکومت اعلام می‌کند گویند این تذکرات چه هر قدر باشد اگر تذکراتی را بر اساس دادن اهمیت اصلی به انسان پیش کشیده باشند خودشان چشم‌پوشی به قدرت نخواهند داشت پس باید توجه داشته باشیم که تذکرات این چنین را یا تذکراتی که یکی از دلایل اصلی انسان‌ها و از دشمنان به حوزه قدرت است. البته تکیه کنیم که حکومت همیشه با قدرت همراه است. به تعبیر دیگر یکی از حوزه‌های اصلی فعالیت قدرت، حکومت است تذکرات قدرت خود به کنار، تذکرات انسان محور میان به حکومت نگاه می‌کند تا به بعضی حدین هم تجویزی به هر شکلی که به آن تذکر دهند آنها بر ترفند شعرت این چه هر شکلی که را بر نمی‌تابند چنین تذکراتی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و هنر، شاعری، نقاشی، فلسفه و غیره این است که حکومت چه رفتاری با انسان دارد در عالم هنر شاید هیچ چیز مثل کاریکاتور یا قدرت حکومت‌ها گلاویز نشده باشند همه این هر شاخه‌ها هم با محوریت انسان وجود و گاهی منظمی قدرت طلبانه یا نظم‌نویزانه را دنبال کرده است اما به هر حال تعداد تذکرات مستقل در این هر سه کم بوده و نیستند کاریکاتور از یک طرف راه به طنز می‌برد و از سوی دیگر جو و هنرهای جسمی است طنز هر چیز به تناسب و هنر در جای که آسوده می‌کند و هنر جسمی تیر هنری است که بر دیده شدن استوار است. جذابیت طنز از یک سو و سرعت انتقال و تأثیر تصویر همه دلیل‌های بوی این است. سبوی دیگر شرح کاریکاتور این که در دسترس است تا بتواند بنا بر تیرای انگلیسی‌ها پیام فرستد که کاریکاتور مستحبابی در کشور شما هستند که مرا نشاند می‌کنند آنها با قائل‌ها هیچ حرفی زنگار نشاند و سبک‌شان کنده کاریکاتور هری است که نمی‌توان نقد را از آن جدا کرد این هم وقتی سیاسی می‌شود یا شوخی و خنده به مباح است. سیاست‌مداران و حاکمان می‌روند راه و روش آنها را چه چاشنی می‌کنند و گاهی مسخره‌هایی می‌کنند در جنبای تصویر کاریکاتور مستعدا اهل سیاست نمایندگان اصلی حاکم‌های بشری شده کسانی که کردارشان سر نوشت جوامع را رقم می‌زند گاهی جوامع خود را به سر منزل مقصود می‌رسانند اما مومنا غفلت‌های انسان‌های زیادی را به آزار می‌رساند و اینست کاریکاتور است منجی نیست بلکه هشدار دهنده‌ای جبر است و تلاش می‌کند تا با ذهنی آزاد و جسارتی تمام به واسطه هنر خود آنچه را به نظر من قدر است و بی‌مخاطب می‌آید اعلام کند. فریب زنده در قالب طنز، ذهنی نگاهش را تحمل پذیرد که از آنجا که نقطه اتکالی آن نیست از کاریکاتور مستحبابی سیاسی که به دنبال قدرت هستند خود «انسان» است هر آن چیزی که این عنوان را منحوش یا تهدید کند و بدگاه آنها نقدی بر خواهد بود لاجرم غلبه‌سازی و حاکم‌های حاکمان که بر دیده منجر به ظلم به انسان می‌شود سر لوحه تکرار انتقادی کاریکاتور است از آن می‌گذرد

حسرت و جفاست از منتقدان تیر نمایشی پیش خواهد بود محصول منتقدان این دولت‌ها پس از عبور از مباح صافی‌های متعدد و تخطی نکردن از خطوط مشخص، نقد مسأله خواهد بود که به آن چنان مهم و حیاتی‌اند و سه فردی را از کسی ندامت کنند و این حال بر کسی نداشتند و سیاستمداران آشفته ذهن‌های این قدر نیست که هر گونه انتقاد و هشکاری را از دیگران بپذیرد یا بگذرد. برخی حاکمان کینه‌تعمیل و پیش از هر چیز به سرکوب مخالفان خود پرداخته و با ایجاد رعب و وحشت همسای آزاد برای ایجاد یا بروز نگاه‌های انتقادی را از میان می‌برند. این حکام که بر این سفدها و کینه‌تعمیلی‌های خود ظلم پیشه می‌کنند و تیات خود را با زور کوبی نفس‌پر می‌کنند همواره توسط کاریکاتور مستحبابان در شش‌هفته‌ها تیر دیده کرده بود که تمامی کاریکاتور مستحبابی خود را در خواهد زد. چینی بر خورده‌های خصمانه‌ای با کاریکاتور مستحبابان و خطوط تاریخ کم نبوده اند. امروز بر خورده کاریکاتور مستحبابی آزاد هم با مستحبابان مستحکم چندی مهم نیستند آنها همواره شخصیت و سیاست‌های ظالمان را به نقد کشیده‌اند. در خطبه‌ها حکام ظالم، جذابیت را آسیب شناسانه‌ای برای کاریکاتور مستحبابان داشته‌اند و هر چه حاکم بزرگ‌تر بوده این جذابیت بیشتر بوده است. سینما بهترین حوزه برای طنز است و حاکمان مستحکم به این سبب خوب می‌دانند و رئیس موم کلا برین پیش از مولانا اولین حاکمی بود که به شکل یک شیر وحشی و خشنگین تصویر شد و از آن پس حاکم ظالم و سوز کاریکاتور شد. اما هنر کاریکاتور سیاسی منمن در قرن ۱۸ میلادی متولد شد و در قرن ۱۹ به شکلی رایج رسیده تاکنون در آن زمان طرفداران و رقیبان زیادی داشت و یکی از کاریکاتور مستحبابی انگلستان، روسیه، آلمان، اسپانیا و برخی کشورهای دیگر تابه اول اعلام جنگ طنز کردند و بر این جنگ به پیروزی هم رسیدند تاکنون توانایی داشتند با طنز به منتقدان خود پاسخ بدهند و آنها با اهمیت‌های پیش یافته در صد پاسخگویی بر می‌آمد پس از قبول دوران امپراتوری‌ها، قرن بیستم بهترین حوزه برای مستحکم است مگر بود هر طول این قرن آنها چه کوچک و چه بزرگ در فای‌های گروه‌ها آشنا و جنوب و مرکز آمریکای گسترش یافتند و این کسر تأثیر فراوان و مهمی بر تحول و تکامل کاریکاتور گذاشته‌اند. چنانکه حاکم بزرگ‌ترین قریه هنر و استایل، اطرافشان را با تعداد زیادی از کاریکاتور است در خدمت بر کرده بودند و این کاریکاتور مستحبابی آنها را به جایی تیرین شکل ممکن تعیین می‌کردند. زمانی که هنر کشور دشمن استگلی نبود کاریکاتور مستحبابی شهری گاهی او را تعیین می‌کرد و طی عموماً به حساب می‌آوردند یا حمله هنر به روسیه کاریکاتور مستحبابی استانی او را با قدرت تمام به نقد کشیدند. آنان روی بوسترها و اعلامیه‌ها هزاران کاریکاتور کشیدند که در آنها هنر به شکل یک ازدها و استایل به شکل یک فرمان جلدت‌دهنده تصویر خنده بود. پس از برگ استایل، هنر کاریکاتور مستحبابی هر سلیفتان را با شدت تمام نقد کردند این مسئله در آلمان نیز اتفاق افتاد. کاریکاتور مستحبابی آلمانی پیش از آنکه به هنر به مقام یک حاکم بزرگ برسد بر حمله او از آمد می‌کردند اما به محض اینکه وی به قدرت رسیدند یا مسکوت کردند یا از آلمان خارج شدند کاریکاتور مستحبابی که به بحث با آنها وارد بود توانستند به کشور‌های دیگر فرار کنند و از آنجا به نبرد نفاق خود ادامه دهند. چنین راهی ایران حاکمان ظالم و کاریکاتور مستحبابی در کشور‌های دیگر هم وجود داشته است. مستحجابان حاکم ظالم و مستحکم سلطه کردند و دولت‌های قدرتمند نشان ناپدید شدند دولت‌های جدید قادر به گفتن حقیقت نبودند و ظالم ظالمان سلطه کرده شدند و تمام کاریکاتور مستحبابی از صنعت جو و رویت‌کنان هم‌مرازی شدند و عموماً بر سوره‌هایی مشابه استفاده کردند پس از سقوط



کمونیسم هم در اروپای شرقی، صدها کارکنان و سوره مجسمه‌های افشاده و پایین کشیده شده از آنه اند.

در میان کنشگران جاکسان کیستار و کارکنان پست‌های آسان پوسته همواره کارکنان پست‌های هم وجود داشت. تعداد که حاضر و کتاب حکام ظاهر بوده و هر با آنها حرکت کردند به این دسته کارکنان پست‌های جیبی می‌گویند کسانی که در دسترس اند گوش به فرمانند و حکام می‌توانند آنها را هر وقت که بخواهند در جیب‌هایشان بپایند. باین حال جاکسان ظالم همواره از این هر منافع در اختیار داشته و در زمان آنها هر لحظه احتیاج می‌شدند که این موجودات دست‌آموز به آنها حملات شوند و صاحبان خود را کار بگیرند و پیکان‌های چوب تا پلوتون، هینلر، موسولینی و استالین، لشکری از کارکنان پست‌های جیبی را به وجود آورده بودند تا همواره مدح آنها را بگویند و علیه دشمنان داخلی و خارجی شال طرح بکشند. آنها به همان اندازه که از کارکنان پست‌های جیبی خود حمایت می‌کردند آنان را هم زیر نظر داشتند. در هر زمانی با کارکنان پست‌های کاراجه نوری هیچ‌گاه روی این هر منندان فلم به مرد بسته بوده است. همواره لشکری از پانسی محقق‌های محراب در ده نگاه این جاکسان حضور داشت. تعداد که کارکنان پست‌های جیبی را رصد و کنترل کنند.

جاکسان، سیاستمداران و دولت‌های حاکمه را به‌اصطلاح پیرچیده با منتقدان خود در جمله کارکنان پست‌ها قرار می‌دهند. پیش از هر چیز رابطه میان منتقد و نقد شوهر رابطه‌ای رو در رو و متقابل است. رابطه ساختاری لازم و ملزومی دارد. منتقد همیشه به سوزهایی برای نقد نیاز دارد و حاکمان هم همواره به دشمنی محتاجند. منتقدی که چیزی برای نقد کردن نداشته باشد تحلیل و جسدی خود را از دست می‌دهد. بدون انتیانت دیگر نکته‌ای را بر جانی نگردد تا منتقد به این استیلا کند. از طرف دیگر، جاکسان منتزول چون پانسی، دفع و رجوع مسائل حکومت خود را انداخته نیاز به سالی دارد که بوی‌نشان بر کنند. حکومت را توجه کنند در این میان تمسک کسانی که به هر شکلی باین جاکسان مخلقت با آنها را نقد کنند جزو دشمنان به حساب می‌آیند و بر خورده با آنها واجب می‌نمایند حال این افراد مخالفان سیاسی باشند و با این‌همه نگامی به‌دند لدرت. مخالف خود را از این دارند با اینکه منتقدانی دلشور است حکومت در هر صورت همیشه میان حاکمان و کارکنان پست‌ها رابطه‌ای قوی وجود داشته است. نوع نگام جاکسان نسبت به کارکنان می‌تواند معیاری مناسب برای سنجش مشمول ظالم آنها باشد.

رصد کردن و نقد حکومت اگر با دیدگاهی است بر محور صورت بگیرد و اثر حاکم باین همه منتقدان را دشمن خود ندانند منجر به تنظیم قدرت خواهد شد یعنی اینکه قدرت حاکم به‌اصطلاح مؤثر برای پیشرفت جامعه تبدیل می‌شود و دیگر همه هر شکلی که در صدد به تسلیم واداشتن دیگران در برابر خویشتن خود نخواهد بود. کارکنان پست‌های سیاسی در مفهوم فسیل محروس اگر به قدرتمند می‌بود اگر هم بخرد می‌کند اگر جیب می‌کند و اگر طغنه می‌زند نمی‌خواهد حاکم قدرتمند را از دستش پایین بکشد (که اگر هم بخواهد زورش نمی‌رسد) اما می‌خواهد که حقوق انسان‌ها را به رخ بکشد. این تنها کاری است که در فستش بر می‌آید. اگر چهره ما را بپایند و همه از آن تعریف کنند. اهمیت است که از این‌ها که ما را نشان می‌دهد. این‌ها کسی را چو زبانی در فستش نه در آینه به همین شکل اگر چهره زبانی داشت سینه پاشی. شکستش آینه استخفاست چون زبانی در فستش نه در آینه، آینه ما را به خودمان نشان می‌دهد. این امکان را فراهم می‌آورد تا کارکنان پست‌ها اصلاحات بکنند. کارکنان پست سیاسی هم که نقد قدرت می‌کنند تشکر حکومت را نمی‌خواهد اما مستحق توبیخ شدن هم نیستند. کارکنان پست سیاسی، آینه‌ای است تا حکومت در مقابلش بایستد و بزرگ‌هایش را اصلاح کند.



# فیلم و سیاست

## ملاحظات در باب فیلم سیاسی

سید محمد مشکات

۱- آیا ساخت هنر از ساحت سیاست جداست؟ شاید این مطلب نیاز به بحث چندانی نداشته باشد چرا که هنرمند نیز مانند دیگران دارای دیدگاه سیاسی است و باه تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت که او از این هر گریزی نیست. فلسفته یا عدم استفاده از حق را یا از دیدگاه‌های علاوه بر حق، تکلیف در قبال سرنوشت سیاسی، جملسه و قدرت حاکمه، ازوم دلشور دیدگاه سیاسی در قبال اصل حکومت سیاسی در هر کشور یا چرخ‌های سیاسی را به‌بیشی جادومی همه‌بخش می‌توان گفت هنرمند در هر صورت موضوعگیری سیاسی دارد و این می‌تواند با هنرمند بودن او منافات نداشته باشد. شکل این هر از سوی هر کسی که باشد گذاشتن از حق خود و مهمتر از آن شانه خالی کردن از تکلیف و مسؤولیت‌هاست.

۲- اینکه هنر چه میزان می‌تواند با سیاست تمسک داشته باشد بحث مناقشه‌برانگیزی است و نمی‌توان انکار کرد که رویکرد دوری و گریز از سیاست در جمله هنر - خصوصاً سبکی هنرمندان کشور ما - مدافعان و هواداران بسیاری دارد. اکنون بحث در اصل تحقیق باقی این نسبت و برررسی چگونگی آن است. این‌ها که اثر هنری از شرایط تاریخی ناچار می‌گذرد اصلی است که در نظر به‌دقتی قابل دفاع است. یکی از این شرایط و زمینه‌ها وضعیت سیاسی است که اثر هنر در آن خلق می‌شود. این در هر حال قهراً و به‌طور خاص در فیلم که جهان متن را با حرکت و زمان و نظام علی و معلولی خاص خود خلق می‌کند و در آن هنرهای مختلف موسیقی، معماری، نقاشی، و جمع شده‌ها هم صدق می‌یابد. کنده‌ها را این بهتر است از این همه بحث و اثر هنر فیلم می‌بگیریم به‌عنوان صورت فیلم‌ها در سبک‌های مختلف از نور تا بجم ابتدایی گرفته تا مکتب مونتزا شوروی و کلاسیک هالیوودی. آلمانی، موج نوی فرانسوی و کلاسیک هالیوودی، همه به گونه‌ای در این شرایط و با در نظر گرفتن این زمینه سیاسی تصور می‌شوند. در کشور ما هم نمونه‌ها کم نیستند و می‌توان به فیلم‌هایی که به‌طور خاص موضوعات سیاسی را تصامیه خود قرار داده‌اند اشاره کرد. به‌عنوان دیگر ساحت‌های معنایی اثر هنری از نظام بالا تا پایین مولفه‌هایی شناختی و ارزشی متناظر با ت که بخشی از این جنبه‌های هستی‌شناسانه با ارزش گذارنده اگر نگوئیم همیشه در بسیاری موارد در جهان اثر حضور دارد. بنابراین دائره بحث فراتر از اثر هنری است که موضوعی سیاسی دارند و با پیوند سیاسی مانند تئاتر سیاسی یا فیلم سیاسی از آنها باقی می‌ماند.

۳- حور موضوع بحث تفکیک بین اثری که صرفاً از شرایط سیاسی زمان خلق تاثیر پذیرفته و اثری که موضوعات سیاسی را برگزیده و هدف است. دسته اول کمتر مورد مخالفت قرار می‌گیرد. دسته دوم بیشتر مورد بحث و مناقشه‌هاست. هر هنر فیلم به‌طور خاص (شاید هنرهای روایت‌گونه به‌طور عام) می‌تواند تفکیک را به بیان دیگری مطرح کرد. در برخی فیلم‌ها

خود را حفظ کرده‌اند چون که در حوزه فعالیت به‌طور خاص شعر و در حوزه فعالیت هنرمندانه‌ها وجود دارند که قرن‌ها را از نور دیده‌اند. آیا قیام سیاسی به لحاظ ماهیت خود فراتر از قرن چندین و بی‌شماری است یا ندارد و به گونه‌ای که حداکثر عمر آن بیش از یک دهه نمی‌تواند باشد؟

در این باره می‌توان بین این دو گونه قیام سیاسی تفکیک قابل شده گونه اول: قیام‌هایی که به وقایع خاص سیاسی می‌پردازند در این صورت، آنجا که این وقایع به زمان و وقایع خاص اختصاص دارند موضوع را زنده می‌کنند. می‌توانند به‌عنوان مثال شکل و ساختاری اثر (چه در روایت و چه در تفکیک) که ممکن است فیلم را برای دیدن در چند دهه بعد نیز جذاب کند. در هر صورت نمی‌توان شکل کرد که داشتن موضوعی متعلق به زمانی خاص آن را منحصر به عصری خاص و یک دوره می‌کند. به‌عنوان مثال از میان شعرهای سعدی آنجا که در بی‌شماری سخن از حاکم و وقایع می‌آید و موقع وصیت هدیه‌ای به او صورت می‌گیرد یا می‌تواند از آن فراوان‌ترین به‌زیور می‌کشد. گونه دوم: فیلم‌هایی که به موضوعات و مباحث فلسفی و علم‌سیاست می‌پردازند. مباحثی که در طول چندین قرن درخشند. سنگران در حوزه سیاست هستند. به‌عنوان مثال نقد آیین مطلب که رساله‌های آزاد به‌عنوان اثری که آید برای دموکراسی و اثر آن که آن هستند نقد تکیه بر قابلیت فرهنگی و نه خرد سیاسی و احتمال فساد یا انشاده این اقلیت و با اینکه اساساً آید دموکراسی قابل دستیابی است؟ موضوعاتی از این دست می‌توانند در هر عصری قابل طرح و جنب باشند. اگر این جنبه‌ها را با جنبه‌های فلسفی و خلقی همان فیلم‌های جنبه و گرایش فلسفی به دلمستان معارضه کنید مطلب روشن‌تر خواهد شد. فیلم‌های هالیوودی به‌دلیل همین خصلت اقتصادی‌گسری و مرتیبه مخالف محوری و محافظه‌کاری از اساسی به سراغ فیلم‌هایی با مضامین سیاسی نمی‌روند. نگاه و شموله و با طرفت همان‌طور که گشت به شرایط سیاسی در فیلم به‌عنوان یک محمول نگاه می‌کنند و به این وسیله اولاً از جهت گیری سیاسی نمی‌نهند تا با عبرت‌های مخالف بپردازند. در هر هنرگاهی که در دست‌نمی‌دهند به‌عنوان مثال می‌توان به جهت گیری در برابر شوروی و چین در فیلم‌های هالیوودی اشاره کرد. در هر هنرگاهی که در هر کشور با مسئله‌های برای تبلیغ آن‌ها به‌عنوان متجرب جهان با مسئله ملیت‌پرستی پیشرفته فوق‌ترن و دلمستان این فیلم‌ها دلمستان در گیری شخصیت خوب (برو تا گوست) یا شخصیت بد (آنی گوست) است. باین فرش و بیشتر به آن‌ها می‌گوید خوب شخصیت‌های آمریکایی و آدم‌های بد شخصیت‌های روسی یا چینی یا اروپای شرقی یا مسلمان یا هندو است. این همه رابطه با مشکلات الهی تکنولوژیک سیاسی و پشتول‌های بیان هنری بالا که اصول و قواعد خود را به نظام‌های زیبایی‌شناختی قیام دیگر کشورها حمل می‌کند صورت می‌گیرد. چنین فیلم‌هایی محافظان نبوده از سراسر جهان با فرهنگ‌های مختلف بدون مقاومت (در شکل حافظی آن تحریم فیلم) یا پاس در چات متناظر مقاومت خواهند داشت.

شاید گونه دوم فیلم‌های سیاسی آن‌ها که به مسائل و موضوعات فلسفی و علم‌سیاست می‌پردازند از این مخطوطه دور باشند. این دسته از فیلم‌ها - همچون آن که - موضوعات فلسفی یا اخلاقی این گونه هستند می‌توانند از این حیث که موضوعات فلسفی در طول تاریخ همیشه تشریحی بوده‌اند از سوی انسان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، مخاطبان زیادی به‌خاست آورند. البته باید پذیرفت که این فیلم‌ها بیشتر مناسب فرهنگ‌ها هستند و در نتیجه ممکن است مخاطب عام به معنای متداول نداشته باشند مگر آنکه فیلم از نظر وجود معنایی و شکلی به چندان پختگی و رضایی رسیده باشد (همچنان که شعر حافظ رسیده است) که مخاطبان با سطوح مختلف را به خود جذب کند و ذهن همه واحساس‌ها را درگیر کند.

نویسنده

سخن سست‌رایی را در بیشتر کشورها و فرهنگ‌ها می‌توان دید. در واقع این دموکراسی غالب و مطلق در فیلم است.

